





دوفصلنامه «فلسفه علوم انسانی اسلامی» در چارچوب رسالت‌های
پژوهشکده علوم انسانی اسلامی دانشگاه قم منتشر می‌شود.
سال اول / شماره ۱ / شماره پیاپی ۱ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴



صاحب امتیاز: دانشگاه قم

مدیر مسئول: مهدی گرامی‌پور

سرمدیر: محمدعلی راغبی

مدیر اجرایی: سید مهدی موسوی

ویراستار: حمیدرضا عرفانی‌فر

صفحه‌آرا: اعظم یزدلی

طراح جلد: سیدمحمد ابطحی کاشانی

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سید سجاد ایزدهی (استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، غلامرضا بهروزی لک (استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع))، عباس پسندیده (استاد دانشگاه قرآن و حدیث)، ابوالفتح خالقی (استاد دانشکده حقوق دانشگاه قم)، محمدعلی راغبی (استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم)، سعید فراهانی فرد (استاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم) و احمد واعظی (استاد گروه فلسفه‌های مضاف دانشگاه باقرالعلوم (ع)).

نشانی دفتر فصلنامه:

قم: بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه مرکزی، طبقه همکف، پژوهشکده علوم انسانی اسلامی

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۷۳

قیمت نسخه چاپی: ۴۰۰ هزار تومان

نشانی اینترنتی: phih.qom.ac.ir

پست الکترونیک: phih@qom.ac.ir

- مقالات و مطالب منتشرشده در دوفصلنامه فلسفه علوم انسانی اسلامی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
- این دوفصلنامه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
- نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

دو فصلنامه
فلسفه علوم انسانی اسلامی

| سال اول | شماره ۱ | شماره پیاپی ۱ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴ |

بسمه تعالی

جهت نمایه شدن مجله در پایگاه‌های داخلی و بین‌المللی و ارتقاء در رتبه‌بندی‌ها، از نویسندگان محترم خواهشمندیم با رعایت قوانین و ضوابط مربوطه، ما را در طی این مسیر یاری بفرمایند.

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به نشریه «فلسفه علوم انسانی اسلامی» نباید قبلاً (به طور کامل یا بخشی از آن، به زبان فارسی یا انگلیسی) در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا هم‌زمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.

- در صورتی که مجله، حتی بعد از فرایند پذیرش یا انتشار مقاله، متوجه خطا و اشتباه عمدی یا سهوی نویسندگان در رابطه با مورد فوق یا تعارض با هر کدام از وظایف اخلاقی نویسندگان شود، می‌تواند مطابق قوانین اقدام نموده، مقاله را از مجله حذف کرده و حتی دلیل آن را جهت اطلاع‌رسانی جامعه علمی در قالب نامه‌ای در شماره جاری مجله منتشر کند. علاوه بر اینکه دیگر مقاله‌ای از او پذیرش نخواهد کرد.

- مقالات انگلیسی نباید ترجمه مقاله یا بخشی از مقاله‌ای باشد که نویسنده قبلاً به زبان فارسی (یا زبان دیگری) منتشر کرده است.

- نشریه از پذیرش مقالاتی که نویسنده به طور عمد به آثار پژوهشی خود ارجاع داده (خود استادی)، معذور است.

- نشریه از پذیرش مقالاتی که استنادات و منابع مورد استفاده در آن معتبر نبوده یا با وجود منابع معتبر جدید، بیشتر به منابع قدیمی یا دست دوم ارجاع شده باشد، معذور است.

- در صورتی که مقاله ارسالی، همپوشانی قابل قبولی با مقالات منتشر شده نویسنده/نویسندگان، داشته باشد، نویسنده باید حتماً به مقاله قبلی اشاره کرده و دلایل نوآوری اثر جدید را دقیق تشریح کند، در غیر این صورت، مقاله رد خواهد شد.

- نشریه از پذیرش مقالاتی که عیناً فصلی از کتاب منتشر شده نویسنده یا فصلی از پایان‌نامه او باشد، معذور است.

- در صورتی که نویسنده مقاله در حال ارزیابی یا پذیرش شده در مجله داشته باشد که هنوز منتشر نشده است (یا اخیراً منتشر شده است)، نمی‌تواند مقاله جدیدی به مجله ارسال کند، حتی اگر تیم نویسندگان متفاوت باشد.

- نویسندگان گرامی به هیچ وجه دو مقاله را همزمان برای ارزیابی ارسال نفرمایید. در این صورت مجله حق دارد هیچ کدام از مقالات را برای داوری ارسال نکند.
- با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور (برای مقالات فارسی) و در etacitnehTi (برای مقالات انگلیسی) مشابهت‌یابی می‌شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این دو سامانه مطمئن شوند.
- لازم است نویسندگان گرامی، در مقالات انگلیسی، اکیداً از ارجاع به منابع ترجمه شده (از انگلیسی یا عربی به فارسی) پرهیز کنند.
- مجله از مقالات میان رشته‌ای که حاوی مساله‌ای نو باشد استقبال می‌کند.
- مقالات دریافت شده ابتدا توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در صورتی که مناسب تشخیص داده شوند، برای ارزیابی به دو نفر از داوران صاحب نظر، ارسال خواهد شد.
- نشریه «فلسفه علوم انسانی اسلامی» در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.

شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر

چنانچه مقاله مستخرج از:

- ** پایان نامه (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل)
 - ** طرح پژوهشی (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
- باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند.

روند ارسال مقاله به نشریه

- نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «ارسال مقاله» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را صرفاً از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- مجله صرفاً پاسخگوی نویسنده مسئول جهت پیگیری وضعیت مقاله بوده و از دادن پاسخ به سایر نویسندگان همکار معذور است.

- تنها کانال ارتباطی رسمی مجله جهت پاسخ گویی به نویسندگان پست الکترونیکی مجله بوده و کانال ارتباطی دیگری ندارد.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

دوفصلنامه فلسفه علوم انسانی اسلامی فقط مقالاتی که حاصل دستاورهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید در موضوعات ذیل است را می پذیرد:

- مبانی و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی
- رویکردهای رایج به علوم انسانی اسلامی در جهان اسلام
- نقد علوم انسانی متداول
- مدیریت تحول علوم انسانی
- آینده‌پژوهی علوم انسانی
- نظریه‌پردازی و نوآوری با رویکرد اسلامی در تولید علوم انسانی اسلامی

*مجله صرفاً مقالات علمی پژوهشی که به روش تحلیلی نگارش شده باشند را پذیرش می‌کند. از این رو اکیداً از ارسال مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه خودداری فرمایید.

فایل‌هایی که نویسنده مسئول باید زمان ثبت‌نام در سامانه بارگذاری کند:

- فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
- فایل مشخصات نویسندگان
- فایل تعهدنامه و عدم تعارض

حجم مقاله

تعداد واژگان مقاله: بین ۵۶۰۰ تا ۸۰۰۰ واژه

تعداد کلیدواژه‌ها: ۵ تا ۱۰ کلیدواژه

تعداد واژگان چکیده فارسی: ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، تبیین موضوع، روش، نتایج مهم پژوهش باشد)

تعداد واژگان چکیده مبسوط به زبان انگلیسی: ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ واژه

نحوه درج مشخصات نویسندگان

تعداد نویسندگان مقالات نباید بیش از سه نفر باشد.

اسامی نویسندگان باید در سامانه به طور دقیق درج شود. از نظر مجله تنها اسامی که در سامانه درج شده است به عنوان نویسنده یا نویسندگان مقاله مورد تایید است. در ضمن، اضافه کردن نام نویسندگان به هیچ وجه بعد از ارسال مقاله و پذیرش، نه در سامانه نه در فایل مشخصات نویسندگان امکان پذیر نخواهد بود و تا قبل از مشخص شدن نتیجه داوری نیز در صورتی که تایید و موافقت همه نویسندگان مقاله ارائه شود، امکان حذف نام برخی از نویسندگان وجود خواهد داشت.

مقالاتی که مستخرج از پایان نامه باشند، دانشجو نویسنده اول و استاد راهنما نویسنده مسئول خواهد بود. درج کد ORCID برای نویسندگان الزامی است. برای دریافت این کد از طریق لینک زیر اقدام کنید:

<https://orcid.org/register>

وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با الگوهای ذیل درج شود:

*** درج ایمیل دانشگاهی برای دانشجویان و اساتید الزامی است.

• اعضای هیأت علمی

رتبه علمی (استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

• دانشجویان

دانشجوی ...، گروه، دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

• افراد و محققان آزاد

مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی

ساختار مقاله

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان

۲. چکیده فارسی (تبیین موضوع/مسئله/سوال، هدف، روش، نتایج)

۳. مقدمه (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و نوآوری پژوهش)

نکته: پیشینه تحقیق در همه مقالات ارسالی الزامی است. حتما باید نوآوری و تفاوت پژوهش ارسالی با

پژوهش‌های پیشین دقیق تبیین شود.

۴. بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)

۵. نتیجه‌گیری
۶. فهرست منابع.

*** روش استناددهی این مجله، روش شیوه‌نامه ایران (راهنمای استناد به منابع اطلاعات فارسی و انگلیسی) بر پایه شیوه‌نامه شیکاگو است. لطفاً براساس این روش، استنادات و منابع را تنظیم کنید. لینک دریافت شیوه‌نامه در سایت مجله موجود است.

** در این الگو استناد به منابع درون متنی است:

(نام خانوادگی نویسنده سال انتشار، شماره صفحه)

مثال: (اکبری ۱۳۹۵، ۴۳)

در صورتی که از چند صفحه پیاپی استفاده شده باشد، به صورت مثلاً: ۲۳-۲۵ درج خواهد شد.

مثال: (مطهری ۱۳۷۱، ج. ۱۳: ۲۳-۲۵)

* از اشاره مستقیم / غیر مستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.

* اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.

* از نقل قول‌های مستقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتماً در مقاله مشخص باشد کدام بخش

از متن، نقل قول مستقیم است).

* نقل قول‌های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل قول " " و بیش از آن به صورت

تورفتگی نوشته شود.

** در فهرست منابع:

مقالات:

نام خانوادگی، نام (در ارجاعات انگلیسی نام کامل ذکر شود). سال انتشار. «عنوان مقاله داخل

گیومه». نام مجله (ایتالیک). سال (شماره): صفحات.

مثال:

آیت‌اللهی، حمیدرضا. ۱۴۰۱. «امکانات جدید برون‌گرایی معرفت‌شناختی برای فلسفه دین و مواجهه

با چالش تنوع ادیان». پژوهش‌های فلسفی کلامی (ایتالیک) ۲۴(۹۲): ۵۳-۷۲.

<https://doi.org/10.22091/jptr.2022.7873.2681>

Legenhausen, Mohammad. 2019. "Religious Epistemology and Dialectic." *Journal of Philosophical Theological Research (Italic)* 21: 4358-. [https://doi.org/ 10.22091/PFK.2019.4085.2065](https://doi.org/10.22091/PFK.2019.4085.2065)

* در فهرست منابع، درج شناسه DOI برای مقالاتی که دارای این کد هستند، الزامی است.

کتاب:

نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب (ایتالیک). شهر انتشارات: نام انتشارات.

مثال:

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. *رحیق مختوم* (ایتالیک). قم: اسراء.

Murphy, Nancey and Warren S. Brown. ۲۰۰۷. *Did my neurons make me do it? Philosophical and neuro-biological perspectives on moral responsibility and free will.* Oxford: Oxford University Press.

فهرست مطالب

- ۱۳ هم‌افزایی نظریه ارواح معانی، مقاصد شریعت و هرمنوتیک در تحول علوم انسانی
مهدی شوشتری
- ۵۱ حکمرانی مطلوب اسلامی از منظر فلسفه سیاسی
خواجه نصیرالدین طوسی (با تمرکز بر کتاب اخلاق ناصری)
سید جواد میرخلیلی
- ۷۵ الگوهای استخراج علوم انسانی قرآن‌بنیان
علی اکبر زهره‌کاشانی
- ۱۰۳ مرجعیت علمی ایران در زمینه علوم انسانی اسلامی؛ چرا و چگونه؟
سید محمد تقی موحد ابطحی
- ۱۳۵ تحلیل بنیادی معماری اسلامی براساس سه نظریه در نسبت دین و فرهنگ
علیرضا پیروزمند، مهدی یوسفی پارسا
- ۱۶۵ روش اجتهادی در فهم متن و تولید نظریه علوم انسانی اسلامی
با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
مهدی گرامی‌پور
- ۱۹۷ نقش مدیریت اطلاعات در تحول علوم انسانی
علی میرعرب
- ۲۱۹ صورت‌بندی چهار اصل انسان‌شناختی مستفاد از حکمت متعالیه ملاصدرا
در سطح فلسفه علوم انسانی اسلامی
حمیدرضا عرفانی‌فر
- ۲۵۱ دلالت‌های مبانی انسان‌شناختی و حیانی در نظارت اجتماعی
صادق گلستانی
- ۲۸۱ بازخوانی رابطه دین و تمدن در نگاه شهید مطهری براساس نگرش مالک‌بن‌نبی و تویین‌بی
زینب شکیبی، سمیرا بخشی‌پور نیلاش
- ۲۹۹ جایگاه اصل «حکومت»، در تعریف و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی
محسن ابراهیمی
- ۳۲۵ الگوی روش‌شناختی حجیت در فهم متن و حیانی:
تأملی در نسبت اصول فقه با هرمنوتیک گادامر
مهدی عزیزی

بازخوانی رابطه دین و تمدن در نگاه شهید مطهری براساس نگرش مالک بن نبی و تویین بی

زینب شکیبی

استادیار فلسفه اسلامی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، ایران.

سمیرا بخشی پور نیلاش

کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، ایران

university1403a@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی رابطه دین و تمدن، در نگاه شهید مطهری براساس نگرش مالک بن نبی و تویین بی صورت پذیرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر سه نظریه پرداز معتقد به حضور پررنگ و تأثیرگذار دین، اخلاق و فرهنگ در خلق و ایجاد تمدن هستند. نتایج نشان داد که نگاه شهید مطهری در رابطه با تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی نسبت به دو نویسنده دیگر دارای تکامل و پختگی بیشتری است. شهید مطهری برخلاف تویین بی که دین را مخلوق تمدن می‌داند معتقد است که درنهایت این دین است که منجر به خلق تمدن خواهد شد. از این نظر با مالک بن نبی دارای دیدگاه مشترکی است اما تفاوتی محسوس نیز دیده می‌شود. مالک بن نبی با توجه به تعریفی که از دین ارائه می‌کند، ادیان غیرالهی را نیز وارد دایره تعریف خود نموده است؛ درحالی که شهید مطهری برخلاف نظر وی تنها ادیان توحیدی با سرمنشأ خداوندی را دین می‌داند. برخلاف نظریات تویین بی و مالک بن نبی که سعی نموده‌اند به نوعی بین تمدن‌های حاصل از ایده‌های مارکسیسم، سکولاریسم و کلاً جریاناتی که مخالف دین یا طرفدار نادیده گرفتن آن هستند رابطه برقرار کند، شهید مطهری تنها معتقد است که این اسلام است که می‌تواند تمدنی قوی با چهارچوب‌های اخلاقی و سعادت‌مندانه برای بشر فراهم آورد.

واژگان کلیدی: دین، تمدن، شهید مطهری، مالک بن نبی، تویین بی.

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهم در حوزه جامعه‌شناسی دین، مسئله نسبت دین و تمدن است. درخصوص مسئله گستره دین با دو نگاه عمده حداکثری و حداقلی مواجه هستیم. نگاه سنتی در تفکر شیعه معمولاً یک حوزه حداکثری برای دین قائل است که تمامی ابعاد زندگی دنیوی و اخروی انسان و ابعاد فردی و اجتماعی انسان را مشمول احکام دین می‌پندارد. اما نگاه حداقلی، دین را صرفاً حاکم بر بُعد فردی زندگی انسان‌ها و ناظر بر امور اخروی حیات انسان می‌داند.

شهید مطهری از سردمداران نگاه سنتی و قرائت حداکثری پیرامون گستره دین محسوب می‌شود. ایشان با همین نگاه به دین، قائل به نقش بنیادین برای دین در عرصه تمدن‌سازی است. لذا یک رابطه علی میان دین و تمدن را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد. اما چگونگی این رابطه علی چندان در نگاه ایشان توضیح داده نشده و کم و کیف و ابعاد این رابطه علی به‌طور مشخص تبیین نشده باقی مانده است.

این تحقیق درصدد است چگونگی این امر را نشان دهد. ازهمین‌رو سعی نموده با الگوگیری از نگاه مالک‌بن‌نبی فرآیند تأثیرگذاری دین در ساختن و پدیدآوردن تمدن را از نگاه شهید مطهری توضیح دهد. مالک‌بن‌نبی از متفکران معاصر الجزایری مسلمان و از طرفداران نگاه حداکثری به گستره دین در میان اندیشمندان اهل سنت محسوب می‌شود. وی معتقد است تمدن از سه عنصر انسان، خاک (سرزمین جغرافیایی) و زمان (سنت و مدرنیته) پدید آمده است و فرهنگ را نیز عاملی می‌داند که به تمدن حیات می‌دهد و مانند خونی در کالبد تمدن جریان دارد و موجب حیات آن می‌شود. در نگاه وی تمدن بدون فرهنگ مانند بدنی بی‌جان خواهد شد. یعنی فرهنگ بُعد فکری و معنوی تمدن است که تمدن بازنمود مادی و عینی آن تفکر و نگاه می‌باشد.

از نظر وی فرهنگ متشکل از چهار عنصر اخلاق، هنر، منطق رفتار و فناوری است. از همین رو معتقد است که مسئله اصلی فرهنگ، رفتار انسان است، نه معرفت و دانش انسان. فرهنگ آن رویکردی است که هنجارها و ارزش‌های رفتاری انسان را در یک جامعه تعمیق می‌دهد. فرهنگ، ارزش‌های رفتاری انسان و تعریف انسان از ملیت و جغرافیای تمدنی‌اش و نگاه جامعه به سنت و مدرنیسم را در یک تمدن شکل می‌دهد و در واقع سه عنصر اصلی تمدن را معنا می‌بخشد و دین آن دال مرکزی و هسته اصلی‌ای است که این نگاه را می‌سازد. یعنی دین است که نگاه به انسان، ارزش‌های رفتاری ملیت و ارزش‌های ملی وی و اینکه سنت و مدرنیته چیست و نسبت این دو چگونه باید تعریف شود را مشخص می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت سه عنصر اصلی تمدن به واسطه دین به یکدیگر پیوند می‌خورند و دین از جهت تأثیرگذاری عمده در فرهنگ، تمدن را تشکیل می‌دهد.

این مدل در واقع ابزار مناسبی است که به وسیله آن می‌توان نگاه مرحوم مطهری به رابطه حداکثری دین با تمدن را تبیین کرد و نشان داد چگونه دین به نحو حداکثری در شکل‌دهی تمدن تأثیر می‌گذارد؛ البته طبیعی است نگاه شهید مطهری به دین با نگاه اندیشمندان اهل سنتی مثل مالک‌بن‌نبی به دین دارای تفاوت‌هایی است که تا حدودی نوع مواجهه ایشان با پدید آمدن تمدن از دل دین و فرهنگ را متفاوت خواهد کرد و در این تحقیق باید به این تمایزات توجه کافی گردد.

تویین‌بی هم از دیگر اندیشمندان معاصر در حوزه دین‌پژوهی است که نگاهی پراگماتیستی به دین دارد و البته نقش جدی برای تأثیرگذاری دین در ایجاد تمدن قائل است و سعی نموده با تبیین مراحل انحطاط تمدن‌ها، نشان دهد چگونه دین می‌تواند در جلوگیری از انحطاط مزبور نقش ایفاء نماید و کارکرد تمدنی جدیدی را برای دین رقم بزند.

مدل مدنظر تویین‌بی در توضیح چگونگی انحطاط تمدن‌ها و جایگاه دین در جلوگیری

از این انحطاط نیز بستمناسی برای تبیین رابطه حداکثری مدنظر شهید مطهری برای نقش تمدن‌سازی دین فراهم می‌کند و در واقع در کنار نگاه مالک‌بن‌نبی، می‌توان طرح بازخوانی چگونگی نقش حداکثری و علی‌دین در پیدایش تمدن که همان نگاه شهید مطهری است را به سرانجام برساند.

با پاسخ‌دادن به پرسش‌های پژوهش است که می‌توان به مسئله اصلی تحقیق که بیان چگونگی ایفای نقش علی‌دین در پیدایش تمدن است پاسخ داد.

دین در تبیین ملیت و جغرافیای تمدنی چه نقشی دارد؟

دین در تبیین و تعریف سنت و مدرنیسم چه نقشی دارد؟

دین چگونه منطق رفتار انسانی را شکل می‌دهد؟

دین نسبت انسان با اخلاق، هنر و فناوری را چگونه مشخص می‌کند؟

- شاخصه‌های تمدنی اگرچه در ظاهر در هر دو تمدن اسلامی و غربی باهم یکسان انگاشته می‌شوند ولی در باطن دارای تفاوت‌هایی آشکار باهم هستند.

- تدین و دینداری در طول عمر تمدن اسلامی از تولد تا افول همواره موتور محرک تمدن اسلامی بوده است این درحالی است که در دوران فعلی که تمدن غربی در اوج قرار دارد دین و تدین دارای نقشی کمرنگ در شکوفایی آن دارند.

۲. پیشنهاد تحقیق

- جعفری در سال ۱۳۹۰، در مطالعه‌ای با عنوان «تمدن اسلام و غرب» به این نتیجه رسیده است که رویارویی غرب با اسلام و مسلمین در جهان امروز و سلطه فرهنگی این تمدن بر کشورهای اسلامی زمینه‌ای است برای تحقیق و پژوهش در گذشته این دو تمدن. پیشرفت شگفت‌انگیز علم و دانش در جهان غرب و تسلط تکنولوژی بر اروپا و افزون‌شدن قدرت

سیاسی و نظامی کشورهای آن از یک سو برخی از مسلمین را دچار از خودبیگانگی نموده است و خود را مقهور تمدن غرب می‌دانند و از دیگر سو، خود غربیان را برای ادامه سلطه فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر جوامع مسلمین حریص‌تر کرده است. به گونه‌ای که به خود حق می‌دهند بر همه ارکان هستی چنگ ببندازند. بررسی فراز و فرود این دو تمدن و نگاهی هرچند گذرا به گذشته پرافتخار و تابناک تمدن اسلام و آگاهی از آن همه شوکت و عظمت اولین گام برای بیداری از هرگونه خودبیگانگی است، زیرا در اثر چنین شناختی است که می‌توان راه و رسم صحیح زندگی کردن، اندیشیدن و کوشش کردن را به دست آورد.

- نجفی در سال ۱۳۹۰، در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه تکامل بیداری اسلامی و جوهر افول‌یابنده تمدن غربی» به این نتیجه رسیده است که بیداری اسلامی حرکت جوشان و مقابله مهمی است که از دو قرن پیش در جهان اسلام در مقابل سلطه و هجوم استعمار مغرب‌زمین آغاز شد. این واکنش ابتدا سلبی بود و بیشتر مقابله با هجوم نظامی غربی‌ها را در پی داشت، ولی علاوه بر هجوم نظامی غرب، تسلط سیاسی و فراتر از آن تسلط فرهنگی و فکری را نیز در پی داشت. بنابراین، کشورهای اسلامی با توجه به ظرفیت و توان فکری و سیاسی‌شان به پاسخگویی و واکنش بدان پرداختند. امروز انقلاب اسلامی، که در بطن خود نظام سیاسی نیرومند و بزرگی را برپا داشته است و به علت توجه و تعمق در مرحله «جنبش نرم‌افزاری»، نوعی افق «تمدن اسلامی جدیدی» را می‌تواند نشان دهد، عبور از نقطه سلبی تا «مرحله ایجابی و ثبوتی»، که سطح جدیدی از ظرفیت بیداری اسلامی را نشان می‌دهد، حرکت تکاملی بیداری اسلامی را، در مقابله نهایی تا آخرین لایه‌های تمدن مادی غرب، به دنبال دارد و شاید این مرحله همان «پرسش از غرب» و «جوهر افول‌یابنده تمدن غربی» باشد که در «ساحت تکاملی بیداری اسلامی» خود را نمایان می‌کند.

۳. یافته‌های پژوهش

- مفهوم و نقش دین در ایجاد تمدن از نگاه مالک بن نبی

به عقیده بن نبی، تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که خمیرمایه‌ای که همواره با ساخت و ساز تمدن در تاریخ همراه بوده، «اندیشه دینی» است. پیش از پیدایش تمدن چیزی جز انسان، خاک و زمان وجود ندارد. اندیشه دینی روح را در این عناصر برمی‌انگیزاند. سربرآوردن تمدن تنها با ورود اصلی بیرون از این عناصر، یعنی اندیشه دینی به معنای عام آن امکان می‌یابد.

بن نبی معتقد است اندیشه‌ای که بذر آن در هسته مرکزی تاریخ نهاده شده، «اندیشه دینی» است. معنای این سخن آن است که ظرف ویژه‌ای که جامعه را به وجود می‌آورد، در واقع همراه با اندیشه دینی در بردارنده استعدادها و ظرفیت‌های آن است؛ همان‌گونه که نطقه در بردارنده همه عناصر وجودی موجودی است که بعد از تولد به وجود می‌آید. او نقش اجتماعی دین را بسیار برجسته می‌داند؛ وی معتقد است دین در تشکیل شبکه قوی روابط اجتماعی مؤثر در حرکت تاریخ و بنای تمدن سهیم است.

- دین و تمدن از نگاه توین بی (نظریه خطی تاریخی)

توین بی، مورخی است که تلاش داشته است بین رویکردهای مختلف به فلسفه تاریخ، به نوعی جمع و وحدت برسد. او سعی نموده تاریخی تدوین نماید که هم مورد توجه مورخان حرفه‌ای که کارشان مبتنی بر داده‌های تجربی است قرار بگیرد (رویکرد انگلیسی) و هم مورد توجه فیلسوفان تاریخی که قائل به وجود قواعد کلی در تاریخ هستند (رویکرد آلمانی)؛ و نیز از نقش بسیار مهم دین در ساخت و تداوم تمدن‌ها سخن بگوید. رویکرد دینی و حتی تمدن غرب را به علت فاصله گرفتن از دین و اخلاقیات تمدنی رو به افول می‌داند؛ اما این جمع به مذاق هر سه گروه خوش نیامده است. تاریخ تمدن و نظریه تمدنی توین بی، علی‌رغم بصیرت‌های فوق العاده‌ای که دارد، از منظر روشی بنا به نظر غالب

مورخان غربی نتوانسته است خود را با روش‌های مرسوم تاریخی اثبات نماید و همچنان به انبوهی از اطلاعات می‌ماند که در انتظار تبدیل شدن به یک نظریه است؛ امری که در روش‌های سکولار، فلسفه تاریخ، بسیار دشوار می‌نماید.

- رابطه تمدن و دین از منظر شهید مطهری

استاد شهید مطهری (ره) در تعریف تمدن چند نکته را برجسته‌تر می‌داند:

مفهوم تمدن، به‌طور مستقیم، به زندگی اجتماعی مرتبط بوده و از نتایج آن است (مطهری ۱۳۹۰، ج ۲۵: ۲۶۶). تمدن بشری در طول دوران‌های پیاپی، رشد و تکامل یافته است. البته این بدان معنا نیست که انسان لزوماً در هر زمان و مکانی نسبت به هر زمان و مکان پیش از آن، متمدن‌تر بوده است، بلکه ممکن است در مواردی دچار رکود یا قهقرا نیز شده باشد (مطهری ۱۳۹۰، ج ۲۱: ۲۳۸). رشد تمدنی همواره همراه تکامل به معنای افزایش کیفیت انسانی زندگی بشر نیست و می‌تواند دارای رابطه‌های مختلف با آن باشد. ریشه و زار تمدن یکی است و عبارت است از فطرت الهی انسان. این سخن بدان معناست که قاطبه بشر در صورت فراهم‌بودن شرایط اولیه، که اساس آن را باید در عدالت جست‌وجو کرد، می‌توانند در مسیر تمدن‌سازی و بهره‌برداری بهتر از خلقت الهی حرکت کنند (مطهری ۱۳۹۰، ج ۶: ۷۷۱).

انسان، در مقام جاننشینی خداوند متعال در کائنات، مقهور هیچ مخلوق دیگری از میان آفریدگان الهی نیست (مطهری ۱۳۹۰، ج ۲۵: ۵۱۴). مطهری معتقد است رابطه تمدن و فرهنگ رابطه‌ای بود و نمودی است؛ یعنی تمدن نمود فرهنگ و فرهنگ روح تمدن معرفی می‌شود (مطهری ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۵۸).

- تمدن اسلامی، تمدن برتر

در یک کلام روشن، می‌توان گفت تمدن الهی و اسلامی، تمدن علم و ایمان به صورت

توأمان است. تاریخ تمدن اروپا را در هزاروپانصد سال اخیر، به «عصر ایمان» و «عصر علم» تقسیم می‌کنند و علم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند. در صورتی که تاریخ و تمدن اسلامی تقسیم می‌شود به عصر شکوفایی که عصر علم و ایمان و انسانیت است. مسلمانان با همراهی علم و ایمان که در آموزه های اسلامی امری مسلم است، بنای تمدن ناب اسلامی را گذاشتند (مطهری ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴۸).

استاد سعی دارد که یک شیوه و فرمول مشخص برای رابطه بین مسلمانان و غیرخودشان معرفی کند و می‌گوید: «مسلمان» همواره باید بداند که عضو جامعه اسلامی است. جزئی است از این کل. جزء یک کل و عضو یک پیکر بودن، خواه‌ناخواه شرایط و حدودی را ایجاد می‌کند. غیرمسلمان، عضو یک پیکر دیگر است. عضو پیکر اسلامی رابطه اش با اعضای غیراسلامی باید به نحوی باشد که لااقل به عضویتش در پیکر آسیبی نرسد.

- ارتباط بین تمدن برتر و نیازمندی به دین

یکی دیگر از الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی را باید در «محیط امن» جست‌وجو نمود. امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست». بدون وجود محیطی امن ایجاد تمدن به بن‌بست خواهد رسید. لذا، مقام معظم رهبری امنیت را از ارکان اساسی رشد و پیشرفت ایران اسلامی دانسته و در اندیشه ایشان با چشم‌انداز تمدنی، امنیت امری عینی، واقعی و ضروری بوده که منجر به سعادت جامعه خواهد شد. لذا برای تحقق آن در جامعه باید به عوامل داخلی و خارج از مرزهای کشور از جمله رصد برنامه‌های دشمنان، هوشیاری نیروهای انقلابی و نخبگان، تقویت باور و ایمان، قانونمندی و فسادستیزی، تأمین مادی و روانی زندگی افراد و استحکام سازمان‌ها و تشکیلات دفاعی و امنیتی توجه نمود (سعیدیان ۱۳۸۴، ۳۳-۷۲).

برای ایجاد تمدن نوین اسلامی محیط امن از زوایای مختلفی باید موردتوجه قرارگیرد.

از جمله بسترسازی در جهت امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی و امنیت اجتماعی، این مسئله به خوبی در سیره و رفتار رسول مکرم اسلام (ص) قابل مشاهده است. شروع تمدن اسلامی از مکه بود و به دنبال آن در مدینه حکومت نوپای اسلامی شکل گرفت. در مکه و در سال‌های آغازین طلوع اسلام، قریش تلاش فراوانی صورت داد تا افراد جامعه را از گرویدن به اسلام منع نماید؛ لذا با ایجاد ناامنی‌های فراوان از جمله آزار و اذیت تازه مسلمانان، سعی نمود تا مانع گرویدن آن‌ها به اسلام شوند. قریش با محاصره اقتصادی مسلمانان در شعب ابی طالب، تاحدودی اثرات منفی بر جامعه نوپای مسلمانان داشت و امنیت را کاهش داد؛ لذا رسول خدا (ص) برای بنای تمدن اسلامی به دنبال مکان امن بودند و به همین خاطر به طائف سفری داشته تا شاید مکانی مناسب و امن برای مسلمانان فراهم گردد. گرچه این سفر موفقیت‌آمیز نبوده و دعوت آن حضرت مورد پذیرش قرار نگرفت. در حال حاضر هم ملاحظه می‌شود که دشمنان انقلاب اسلامی که متوجه خطر انقلاب برای منافع مادیشان شده‌اند با انواع و اقسام تحریم‌ها در تلاشند تا به این نقطه کانونی که از پایه‌های مهم در ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌باشد ضربه بزنند؛ لذا هر روز با دسیسه‌های فراوان و با تحریم‌های گسترده تلاش می‌کنند که محیط امن اقتصادی را از بین ببرند. علاوه بر این آن‌ها امنیت فرهنگی را هم در جامعه نشانه گرفته‌اند، لذا تهاجم و به تعبیر مقام معظم رهبری، شیخون فرهنگی را هم جزء سرلوحه کارهای خود قراردادند تا با تهی نمودن جوانان این سرزمین انقلاب را از رسیدن به اهداف متعالی و ایجاد تمدن نوین اسلامی بازدارند.

۴. نتیجه‌گیری

- تطبیق بین دیدگاه توپین‌بی، مالک‌بن‌نبی و شهید مطهری

بن‌نبی در تعریف خود از تمدن هر دو بعد مادی و معنی را در نظر گرفته است. وی روح

تمدن را ناشی از معنویت یا همان دین می‌داند که بدون آن اساساً ساختن تمدن ناممکن است. این دین است که با ایفای نقش مؤثر خود از عناصر خام و راکد، تمدن می‌سازد. تویین بی نیز با رد نظریه نژادی و محیط زیست معتقد است که در حل مسئله‌ای که صرفاً با روحيات انسان ارتباط دارد، وی مسئله تکوین تمدن را با روح آدمی مرتبط می‌داند. وی در نظریه مخصوص به خود تکوین و خلق تمدن را ناشی از مبارزه طلبی محیط و پاسخ جامعه به آن عامل تکوین تمدن، رشد و مرگ آن می‌داند. با اینکه او مورخی معنویت‌گرا و دیندار است و در خانواده‌ای مسیحی بزرگ شده است؛ و در اثر مستقلى به نام نگرش یک مورخ به دین از نسبت بین مورخ و دین سخن گفته و رویکرد مثبتی به دین و معنویت در قرن بیستم دارد، اما در نهایت دین را مخلوق تمدن می‌داند. این رأی ادیان غیرالهی را نیز به ذهن متبادر می‌کند.

شهید مطهری تمدن را در ارتباط مستقیم، با زندگی اجتماعی می‌داند. بی تردید انسان نیازمند زندگی گروهی و حیات اجتماعی است، چون اجتماعی بودن لازمه حیات اوست. از نظر شهید مطهری تمدن و خلق آن نیازمند رشد اجتماعی بشر بوده و هست و در طول گذر زمان، بشر با به‌کارگیری علوم و فنون و تجربه‌های اندوخته شده در این زمینه موجبات خلق تمدن را فراهم آورده است. البته تمدن‌های مختلف در گذر زمان دارای فراز و فرودهایی بوده‌اند. تمدن‌های زیادی بوده‌اند که پس از طی نمودن دوره طلایی خود رو به افول و انحطاط نهاده‌اند و بوده‌اند تمدن‌هایی که پس از ویرانی دوباره از میان ویرانه‌ها رشد نموده و سربرآورده‌اند. شهید مطهری ریشه تمدن را در فطرت الهی انسان می‌داند و او را در مقام جانشینی خداوند دانسته و نباید مقهور هیچ مخلوق دیگری باشد. شهید مطهری، به وضوح و شفافیت تمام، این اراده و اختیار را در منظومه فکری خود پذیرفته و اذعان می‌دارند: «در حوادث تاریخی بشر، خدا برای پیش و پس رفتن تاریخ بشر صورت قطعی معین نکرده

است؛ یعنی ای انسان! تو خودت مجری قضا و قدر الهی هستی، می‌توانی عقب ببری، می‌توانی نگه داری. هیچ جبری، نه از ناحیه طبیعت، نه از نظر ابزارهای زندگی و نه از نظر مشیت الهی، بر تاریخ حکومت نمی‌کند».

این کلام شهید مطهری نکته‌ای جدید را نشان می‌دهد که برخلاف آرا و نظریات تویین بی و بن نبی است.

در مورد رابطه دین و تمدن، در مورد رابطه میان اسلام و تمدن نیز بن نبی برخلاف دیدگاه افرادی مانند سید قطب معتقد است «اسلام» فی نفسه یک «تمدن» نیست؛ بلکه اسلام وحی‌ای است که از آسمان نازل گردیده است، اما تمدن یک پدیده انسانی است. اسلام اگرچه در ذات خود قابلیت تمدن‌سازی دارد اما خود تمدن نمی‌سازد، بلکه این انسان‌ها هستند که با کار و تلاش پیگیر و به کمک دستورات اسلام تمدن می‌سازند. اساساً به نظر می‌رسد که از نظر بن نبی تفکیک دین از هر پدیده انسانی به ناپودی و اضمحلال و شکست آن پدیده و گاه خود انسان می‌انجامد. الهیات در اندیشه بن نبی در ساختار کارکرد، رسالت و غایات تمدن از ذاتیات تمدنی است، نه عرضیات آن. تصور حرکت منطقی و طبیعی و تکوینی سازنده یک تمدن بدون نقش کانونی اندیشه دینی ممکن نیست. پدیده‌های اجتماعی همانند رخدادهای طبیعی یا مبتنی بر الهیات حرکت می‌کنند و به حیات خود ادامه خواهند داد و یا در سمت نقیض وجودی خود و عدم قرار خواهند گرفت. از نظر بن نبی جریان تاریخی انسان و تمدن در هر صورت و شکلی که باشد، هیچ‌گاه بر بستری غیردینی شکل نپذیرفته است. هر جا تاریخ بشریت در فراز بوده، اثری از دین در آنجا هست و هر جا در فرود و انحطاط بوده اثری از اهمال این حقیقت نهفته در سرشت انسان و زمان و زمین قابل رصد و تحلیل است.

تویین بی در بخشی از کتاب بررسی تاریخ سعی نموده است به اشکالاتی که در مورد

دین و حقیقت و وضعیت آن در تمدن مطرح شده است، پاسخ دهد؛ او در این بخش از وحیانی بودن دین (دین به معنای اعم، شامل ادیان شرقی و ابراهیمی و هرنوع گمان وجود امر متعالی یا حقیقت فرا انسانی) دفاع نمی‌کند و از تعابیری چون پدیدآورندگان یا بنیان‌گذاران دین به جای واژه پیامبران (آن چنان که در خود ادیان مرسوم است) سخن می‌گوید.

شهید مطهری معتقد است رابطه تمدن و فرهنگ رابطه‌ای بود و نبود است؛ یعنی تمدن نمود فرهنگ و فرهنگ روح تمدن معرفی می‌شود. به عبارت دیگر، تمدن عبارت است از اندوخته‌های مادی و معنوی انسان و هر دو ساحت (مادی و معنوی) نمود فرهنگ هستند؛ یعنی با دگرگونی ژرف در اجزای تشکیل‌دهنده یک فرهنگ (نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها، رفتارها و کردارها) نمود مادی و معنوی آن (تمدن) تغییر اساسی خواهد کرد. از این رو، شهید مطهری (ره) معتقد است فرهنگ یعنی روح جامعه. استاد شهید مطهری قائل‌اند که اسلام خود سازنده فرهنگ است؛ یعنی اسلام خود یک سلسله اندوخته‌های معنوی آورد که همانا فرهنگ اسلامی است. فرهنگ اسلامی فرهنگ فطری و بشری است. در عین اینکه از جنبه فاعلی وابسته به قومی خاص است، ولی از جنبه کیفی رنگ قوم خاصی ندارد. استاد شهید مطهری در فرق تمدن و فرهنگ می‌نویسد: تمدن، جهانی است و فرهنگ ملی است.

الف) بیان وجوه اشتراک

در بیان وجوه اشتراک بین هر سه نظریه پرداز بایستی به تعریف دین توجه نمود. از نظر هر سه نظریه پرداز، دین دارای منشأ الهی است و به عنوان یک الگوی تمدن ساز از آن یاد می‌کنند. به طوری که بن‌بسی در انتهای اولین و مهم‌ترین کتاب خود یعنی پدیده قرآنی، با استناد به قرآن کریم مفهومی از دین به دست می‌دهد که غالباً در میان ما مغفول مانده است. وی

می نویسد: در پرتو قرآن کریم به نظر می رسد که دین پدیده‌ای طبیعی است که بر اندیشه و تمدن انسان حاکم است؛ همان‌گونه که نیروی گرانش بر ماده حاکم است و سیر تحول ماده براساس آن صورت می گیرد بر این اساس، دین گویا در نظام آفرینش به مثابه قانونی برای تفکر نهفته شده است (بن نبی ۱۹۸۴ م، ۳۰۰). توبیین بی سرانجام یک تمدن را تأسیس یک دین جهانی می داند و معتقد است که تمام تاریخ بشر یا کل فرآیند یک تمدن به عدل الهی خلاق منتهی می شود. از نظر توبیین بی مسیحیت، هدف نهایی تاریخ بشر و بالاترین حد خیر برای بشر است و شهید مطهری، با استناد به قرآن در تعریف دین معتقد است که دین عبارت از اصول ثابتی است که تمامی انبیای الهی در آن اصول مشترک هستند. لذا به نظر وی: از نظر قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی است. همه پیامبران، اعم از پیامبران صاحب شریعت و پیامبران غیر صاحب شریعت، به یک مکتب دعوت می کرده‌اند. اصول مکتب انبیا، که دین نامیده می شود، یکی بوده است. تفاوت شرایع آسمانی یکی در یک سلسله مسائل فرعی و شاخه‌ای بوده که برحسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگی‌های مردمی که دعوت می شده‌اند متفاوت می شده است و همه شکل‌های متفاوت و اندام‌های مختلف یک حقیقت و به سوی یک هدف و مقصود بوده است.

نگاه هر سه نظریه پرداز نسبت به تمدن و تأثیرگذاری دین بر آن و ترکیب شدن این دو باهم موجبات تعالی بشر و بروز تمدنی بهتر را باعث می شود. مالک بن نبی و شهید مطهری به تمدن اسلامی توجه دارند و توبیین بی به تمدن ناشی از جهان مسیحیت.

ب) بیان وجوه افتراق

در نگاه به دین و تمدن، توبیین بی نگاهی متفاوت نسبت به مالک بن نبی و شهید مطهری در رابطه با این مقوله دارد. توبیین بی معتقد است، ادیان نهادهای مستقل و فراتری از تمدن‌ها هستند و چهارچوب تمدن‌ها را می شکنند و جوامعی جداگانه تشکیل می دهند؛ اما

مالک بن نبی و شهید مطهری هر دو بر این امر اصرار دارند که ادیان به خصوص دین اسلام توانایی، ظرفیت و قابلیت به وجود آوردن تمدنی در سطح جهانی را دارند. برخلاف توین بی که تنها مسیحیت را ایدئولوژی برتر می‌داند و آن را فراتر از تمدن و جدا از آن می‌داند.

نگاه به تمدن در بین این سه نظریه پرداز دارای افتراقاتی است از جمله اینکه بن نبی، هنگامی که به صورت کلی از رابطه دین و تمدن بحث می‌کند، مفهوم عام دین را در نظر می‌پروراند، اما زمانی که از تمدن‌هایی مانند بودیسم و هندوئیسم سخن می‌گوید، مفهوم خاص دین و زمانی که از تمدنی خاص مانند تمدن اسلامی و مسیحی سخن به میان می‌آورد، مفهوم سوم را اراده می‌کند. بن نبی تمدن را نیز مانند دین با رویکردی عام و جامع تعریف می‌کند. طبق تعریف وی، «تمدن مجموعه عوامل معنوی و مادی است که زمینه را برای جامعه به گونه‌ای فراهم سازد که هر فردی از اعضای آن بتواند از همه وسایل و بسترهای اجتماعی ضروری برای پیشرفت، بهره‌مند شود» (بن نبی ۲۰۰۲، ۵۰). از نظر توین بی تمدن عبارت است از: تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشر بتواند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر درون آن زندگی کنند (توین بی ۱۳۷۶، ۴۸). به عبارت دیگر وی تمدن را به معنای مرحله یا نوع خاصی از فرهنگ می‌داند که در عصر معینی موجودیت یافته است. که در اینجا وی تنها تمدن ناشی از دین مسیحیت را به رسمیت می‌شناسد.

اما نگاه شهید مطهری به تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی است. مفهوم تمدن، به‌طور مستقیم، به زندگی اجتماعی مرتبط بوده و از نتایج آن است. بی تردید انسان نیازمند زندگی گروهی و حیات اجتماعی است، چون اجتماعی بودن لازمه حیات اوست. یادگیری دانش، علوم و فنون و رفع نیازهای مادی و معنوی وی در محیط اجتماع میسر خواهد بود. نوع انسان بدون زندگی در میان هم‌نوعان خود، نه تنها به رشد و توانمندی‌های شایسته مقام

انسانیت نمی‌رسد، بلکه از حداقل‌های اولیه مانند سخن‌گفتن نیز بازمی‌ماند (مطهری ۱۳۹۰، ج ۲۵: ۲۶۶). تمدن بشری در طول دوران‌های پیاپی، رشد و تکامل یافته است. البته این بدان معنا نیست که انسان لزوماً در هر زمان و مکانی نسبت به هر زمان و مکان پیش از آن، متمدن‌تر بوده است، بلکه ممکن است در مواردی دچار رکود یا قهقرا نیز شده باشد. رشد بشر و تکامل او در گرو اراده و خواست خود اوست و روند زندگی فردی و اجتماعی، جبری و قهری نیست. سرنوشت‌های متفاوت جوامع در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، گویای این مسئله است. گاهی جوامع پس از سپری کردن دوران‌های طلایی تمدنی، دچار سقوط‌های عبرت‌انگیز شده‌اند و گاهی جوامعی از درون ویرانه‌های یک تاریخ تاریک، به‌گونه‌ای آموزنده و نویدبخش سر بر آورده‌اند (مطهری ۱۳۹۰، ج ۲۱: ۲۳۸). رشد تمدنی همواره همراه تکامل به معنای افزایش کیفیت انسانی زندگی بشر نیست و می‌تواند دارای رابطه‌های مختلف با آن باشد. اگر بپذیریم که باید تمدن را بیشتر در حوزه علوم و فنون مورد مطالعه قرار داد، آن‌گاه پاسخ به یک سؤال جدی ضرورت می‌یابد که آیا تولید هدف بر پایه ابزار، یک استنتاج عقلانی و منطقی است یا این رابطه باید به‌گونه دیگری شکل گیرد (مطهری ۱۳۹۰، ج ۶: ۷۷۱).

- تحلیل ساختاری دیدگاه شهید مطهری بر مبنای دیدگاه توپین‌بی و مالک‌بن‌نبی

باتوجه به تقدم و تأخر موجود در بین این سه نظریه پرداز، می‌توان گفت که دیدگاه‌های شهید مطهری در برخی موارد تکمیل‌کننده نظریات توپین‌بی و مالک‌بن‌نبی است و در برخی موارد نیز با نظریات توپین‌بی و مالک‌بن‌نبی متفاوت است. توپین‌بی به رویکرد خطی و به وجود آمدن تمدن در پی بروز سختی‌های طبیعی و یا حتی وقوع نبردهای تمدنی بیشتر گرایش دارد. نظریات وی را می‌توان تا حدودی نزدیک به نظریه برخورد تمدن‌ها نیز دانست اما در دیدگاه شهید مطهری، جاذبه تمدنی اسلام و زیبایی فرهنگی آن و صلح‌دوستی و دست‌یابی

به علم، فناوری و دانش نقش بسیار پررنگ‌تری نسبت به جنگ و برخورد در گسترش دایره تمدنی اسلام دارد.

نگاه شهید مطهری نسبت به تعریف دین نسبت به نگاه مالک‌بن‌نبی و همچنین تویین‌بی از نظر ساختاری متفاوت است. مالک‌بن‌بنی با نگاهی کلی برخی از ایدئولوژی‌های دارای منشأ غیرالهی را نیز دین فرض نموده است. تویین‌بی هم دین را برآمده از دل تمدن می‌داند ولی نگاه شهید مطهری نسبت به دین و مفهوم آن کاملاً متفاوت است. وی دین را تنها ادیانی می‌داند که دارای منشأ الهی است و به‌این‌ترتیب فقط ادیان توحیدی را در دایره دین قرار می‌دهد. وی همچنین در تعریف تمدن و رابطه آن‌ها با یکدیگر نیز نگاه متفاوت‌تری نسبت به مالک‌بن‌نبی و تویین‌بی دارد. وی معتقد است که اسلام به‌خوبی می‌تواند به‌عنوان یک موتور محرک در جهت تمدن‌سازی مورد توجه مسلمانان قرار گیرد. همان‌طور که تا پیش از حمله مغول و جنگ‌های صلیبی نیز تمدن اسلامی به‌خوبی خود را نشان داده است. وی معتقد است که اسلام می‌تواند با محوریت انقلاب اسلامی ایران دست به ساخت الگوی تمدن نوین اسلامی بزند که از این جهت نظریات وی دارای تفاوت‌های شگرفی با مالک‌بن‌نبی و تویین‌بی است.

منابع

۱. بن‌نبی، مالک. ۲۰۰۲. تأملات. به کوشش تدوین مالک‌بن‌نبی. دمشق: دارالفکر.
۲. بن‌نبی، مالک. ۱۹۸۴. میلاد مجتمع الجزء الأول شبکه العلاقات الاجتماعیه. ترجمه عبدالصبور الشاهین. دمشق: دارالفکر.
۳. توین‌بی، آرنولد. ۱۳۷۶. بررسی تاریخ تمدن. ترجمه محمدحسین آریا. چ ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. جعفری، اسمر. ۱۳۹۰. «تمدن اسلام و غرب». فصلنامه آموزش معارف اسلامی. ۲۳ (۴): ۱۶.
۵. سعیدیان، عبدالحسین. ۱۳۸۴. دائره‌المعارف بزرگ نو. تهران: انتشارات علم و زندگی و آرام.
۶. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۰. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا.

